

فریاد عدالت یک سرمچار

جلد دوم



کتاب فریاد عدالت یک سرمچار (جلد دوم)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با عرض سلام و آرزوی توفیق روز افزون شما ارادت مندان به قرآن و عترت - کتاب حاضر مرقومه ای است از سرمچار که جلد اول آن در 140 صفحه به چاپ رسیده است و در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است و این اثر جلد دوم آن می باشد که حاوی افشاگری از غارتی بزرگ توسط خاکستریها می باشد. که سالیانیست در حال چپاول و غارت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می باشند که در چند فصل توضیح و شرح می شود. عبارت است از سرگذشت یک سرباز به نام رضا حاجیان متخلص به (سرمچار- به معنای مجاهد سرباخته) که پس از 216 مرتبه فرماندهی عملیاتهای مختلف داخلی و برون مرزی. در سالهای (1388-1375) شامل مشاهدات و اطلاعات دقیق و عینی آن بدون هیچ گونه تحریف و گرایش حزبی و گروهی خاصی. که در 14 جلد به چاپ خواهد رسید از آنجائیکه سرمچار تنها و غارت شده می باشد به ناچار مطالب را با قلمی ریزتر نوشته تا کاغذ کمتری مصرف شود زیرا هزینه ای کتاب را باید خودم پرداخت کنم لذا از شما محبین اهل بیت عذرخواه هستم

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

به مسلمانان که مورد قتل و غارت قرار گرفته اند رخصت جنگ با دشمنان داده شد، زیرا آنها از دشمن سخت ستم کشیدند و همانا خدا بر یاری آنها قادر است

سرمچار(رضا حاجیان): در این شرایط زشت و ظالمانه، مرگ را جز سعادت و نیک بختی و زندگی با ظالمان را جز ذلت و نابودی نمی‌نگرد .

ای هموطنان عزیز و محبین اهل بیت ، خاکستریها و فرماندهان قشونشان خصوصاً سردار سایه ها سردار مرتضی رضایی و همدستانشان که هم اکنون با کودتایی کثیف در سال 88 بخش عمده ای از نظام مقدس جمهوری اسلامی را تصاحب کرده اند و مشغول غارت‌مان می باشند و از هیچگونه خیانتی دریغ ندارند.

اینان ما را بر سر دو راهی قرار داده اند: یا انتخاب شریعت و دفاع از مال و جانمان که خود امریست واجب و شرعی ، یا قبول خواری و ذلت.

ای هموطنان وای آزاد مردان غیور ذلت پذیری از ما به دور است! ذلت را نه خدا و پیامبرش و نه امامان معصومش بر ما می‌پسندد و نه مؤمنان و نه آن دامانهای پاک که ما را پرورده است و نه انسانهای غیرتمند و نه افراد سرافراز. آری، اینان هرگز نمی‌پذیرند که ما فرمانبرداری از فرومایگانی چون خاکستریها کثیف و فرماندهان قشونشان را بر جانبازی رادمردان ترجیح دهیم.

اینک من با همین توانی که رب العالمین عطاء فرموده است به پیش می‌تازم، با آن که دشمن سرسخت و پرشمار است هر چند یارانم دست از یاری من کشیده اند! .

من توکل بر خدایی نموده ام که پروردگار من و شماست و هیچ جاننداری نیست مگر آن که زمام امورش در دست پروردگار است.

بار خدایا! تو خود می‌دانی آنچه از ما سرزده رقابت برای دستیابی به سلطنت و قدرت و آرزو به زیاد کردن کالای بی‌ارزش دنیا و یا مخالفت با این نظام مقدس نبوده است و نخواهد بود.

بلکه برای دفاع از مال و جانمان و جلوگیری از غارتگریهای این کافران میباشد.

اینان باید بدانند غارت مال و آبرو و شرف هریک از محبین اهل بیت برایشان تاوان بسیار سنگینی خواهد داشت هرچند در این راه ما را قطع قطع کنند ما از مولای خود چنین آموختیم: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس از حاکم جائز، پستی را در جور بپذیرد وی با همان در قیامت همدم خواهد بود. (همان وزیر فرعون است). من لا یحضره الفقیه / ترجمه

غفاری ج 5 ص : 305

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود هر کس برای دفع ظلمی کشته شود شهید است. و این شخص که مدافع از مظلوم می باشد مجاهد در راه خداست و اگر کشته شود شهید است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر آن کس که در دفاع از مال خویش کشته شود، شهید است و اگر کسی در دفاع از خون [جان] خویش کشته

شود، شهید است، و اگر کسی در دفاع از دین خویش کشته شود، او شهید است، و هر آن کس که در دفاع از خانواده خویش کشته شود، او شهید است. (غرر الحکم)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند عزوجل فرموده: وَ لَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ بِه ظالمان و ستمکاران خود را نزدیک نکنید و بر ایشان اعتماد ننمائید که آتش آنها شما را نیز خواهد گرفت.

ویا در غرر الحکم از حضرت رسول (ص) که فرمود: هر که نگیرد حقّ مظلوم را از ظالم عظیم باشد گناهان او .

ای عزیزان مگر نمی بینید برای چپاول بیشترمان دائماً ادعای ساختن بیشتر دنیایمان را می کنند حال این آبادانیها به چه قیمتی است؟ برای آنکه ما را گرفتار دنیای پست و ناچیز بکنند تا خود به مقاصد شومشان برسند خود هدفمند گرانی ببار می آورند و در متینگ مسخره ای انتخاباتی هریک پرچم اقتصاد پویا را به دست می گیرند !!

ای عزیزان و هموطنان در حال حاضر مشکل اساسی کشور عزیزمان فاصله گرفتن ازمتن و حقیقت شریعت و دستوراتی که از برای بهتر زیستن خالق هستی با توجه به چپینشی که خود در هر ذره از این عالم قرار داده است می باشد که باعث اینهمه نا بسامانی و گرفتاری

وبی عدالتی شده است جدائی امت از حقیقت قرآن و فاصله گرفتن از امام حاضر و ناظر حضرت حجت می باشد.

چند سوال از شما می پرسم :

به نظر شما عزیزان فقر را گسترش دادن و به دنبالش بنیادهای و کمپته ها و موسسات خیریه و... تاسیس کردن بهتر است؟؟ یا از همان ابتدا چپاول و غارتنکردن و به دنبالش منت برسرمان برای دادن حق مسلم مان گذاشتن؟؟

به نظر شما و گذاری اموال و سرمایه های ملی این امت تحت عنوان اجرای اصل 44 به عده ای خاص آنهم تا دندان مسلح از فرماندهان سپاه فعلی و اربابان خاکستریشان بهتر است؟؟ یا آنکه بیت المال را این چنین غارتنکردن و هدایت آن به نفع امت در جهت رشد و تعالی الهی آنها؟؟

به نظر شما در طول تاریخ بشریت فرعونها و نمرودها و بنی امیه ها و بنی عباسها و در حال حاضر غربیها و آمریکائیها غیر از مال اندوزی و چپاول و غارت مردمان کشورهای خود و بعد از آن کشورهای دیگر هدف دیگری هم داشته اند؟؟

در حال حاضر این مافیای خاکستری به پشتیبانی شبه نظامیان تا دندان مسلح خود در سپاه فعلی هدفی و کاری بغیر از آنان را دنبال می کنند؟؟

به نظر شما این شبه نظامیان و همدستان دیگرشان که در کودتائی مرموزانه اداره ای کل سپاه فعلی را در دست گرفته اند، با توجه به ادعای که میکند واقعاً حافظان امنیت مرزها و ماموریتهای تعریف شده در قانون اساسی هستند؟؟

یا از جیب همین مردم زجر کشید حقوق و مزایا در یافت می کنند! و در حال اداره اموال غارتگرده ای این ملت به نفع خود که همان بنگاه های تولید ثروت خود می باشند هستند؟؟ چند نمونه از این بنگاه ها را نام می برم و مقداری شرح خواهم داد:

اینان تمامی منابع ثروتی را که از ما به غارت برده اند را بر مبنای اهدافی از پیش تعیین شده بوده است بطور مثال:

اداره مخابرات کل ایران: این مرکز کلیدی و حساس در هر کشوری به عنوان مرکز تبادل اطلاعات چه امنیتی و چه سیاسی و چه اقتصادی و چه خانوادگی می باشد، که 98% از این اطلاعات به طور معمول از این کانال عبور می کند، لذا از این اداره به عنوان مرکزی مهم و استراتژیک نام می برند .

حالا به نظر شما این کودتا چیان با به دست آوردن مالکیت این مجموعه ای عظیم اطلاعاتی منهای در آمدی چند هزار میلیارد تومانی چگونه منتفع می شوند؟؟؟؟؟

بانکها و صندوقهای مالی : اینان با به تملیک در آوردن این نقطه ی مهم منافع بسیاری را کسب کردند از جمله:

1- توانستند نبض اقتصادکشور را به نفع

بنگاههای تولید ثروت خود در دست بگیرند.!

2- توانستند در آمد های ناشی از تورم به

وجود آمده به دست خود را حفظ نمایند.!

3- توانستند مکانی برای نگه داری از ثروتهای

نقدیه بی نام و نشان خود به وجود بیاورند.!

- 4- توانستند بهترین مکان برای پول شوئی وجا
 به جای پولهای کثیف خود ایجاد کنند.!
- 5- توانستند با این مراکز تمام عمر و زندگی
 ملت را بدهکار و گرفتار خود کنند.!
- 6- توانستند امکانی به وجود آورند در صورت
 نیاز تمامی ثروت به غارت رفته ی مان را در
 کوتاه ترین زمان به حساب های خارج از کشور
 خود انتقال دهند.!
- 7- توانستند
 و.....

توانستند.....وتوانستند.....!!!!!!
 هواپیمائیها، بنادر و کشتیرانیها، شرک
 ت های حمل و نقل جاده ای و ریلی:
 از این امکانات عظیم مافیای خاکستری
 توانسته در جهت جا به جای افراد و تمامی
 کالا ها واجناس مورد نیاز خود چه در داخل
 کشور و چه در خارج کشور به اینان خدمت شایانی
 کند، و سود های میلیارد دلاری را نصیبشان
 گرداند.

در ضمن با تصاحب این مراکز اصلی حمل و نقل
 کشور توانستند تنها یکه تاز این شاه رگ
 اصلی و حیاتی کشور شوند و به آسانی در هر
 زمانی به هر دولتی چه مردمی و چه غیر مردمی
 که با اینان ذره ای مخالفت کنند به زیر یوق
 خود کشند و در کودتای نرم و سرد آن دولت را
 در سایه به نفع خود اداره کنند!!

تجارتخانه های مختلف ائم از نفتی
 و صنعتی، کارخانه ها، کشت صنعتها

ودامپروریها ، و فروشگاه های زنجیره ای

مگر غیر از این است که خاکستریها به شکل نوین برده داری می کنند ؟ در تمامی بنگاه های تولید ثروتشان چه کسانی کارگر و چه کسانی ارباب می باشند؟

مگر غیر از این است که غربیها و آمریکائیها با غول رسانه ای خود ملت کشور خود و دیگر کشورها را به نفع عده ای قلیل ، بعبارتی 1% از 99% را محق و صاحب شرایط نشان می دهند و دیگران را که همان 99% میباشند را استعمار می کنند؟ و اعضای واجد شرایط در تمامی امتیازاتی که می دهند ائم از منسبهای حکومتی و نظامی و سیاسی و امنیتی و اقتصادی حتی در انتخابات هم از همان 1% باید باشد؟ و حال آنکه مافیای خاکستری و شبه نظامیانشان در سپاه فعلی به کمک غول رسانه ای و روزنامه ها خود و با نفوذ در صداوسیما مشغول چه کاری می باشند؟

آیا همان 1% در قبال 99% کاملاً محسوس نمی باشد؟؟؟ هر چند اینان 0/01% از این ملت عزیز نمی باشند در حقیقت این قدرت و ثروت کشور است که بین خودشان تقسیم می شود و با نفوذ و فرماندهی و سیاست گذاری در بین حزبها و گروهها خصوصاً ُُُ و گروه اصلاح طلب و اصولگرا ((چپ و راست در گذشته و روحانیت و روحانیون در بین علما ((در بستری به ظاهر قانونی ملتمان و کشورمان و رهبرمان را غارت می کنند!!!

ای عزیزان مسبب اینهمه جنایات کیست؟؟
سرمچار اعتقاد دارد یکی از ریشه های اصلی این بلا در علمای دینی و روحانیت می باشد.!!!
سخنی با روحانیت و علمای دین ای عزیزان می خواهم نکاتی را یادآور شوم
هرچند سخن من با آن دسته از علمایی است که با خاکستریها نمی باشند به غیر از این وضعیت آن دسته از روحانی نماهایی که خود از اعضای اصلی مافیای خاکستری میباشند تکلیفشان مشخص است.

خداوند ما را کفایت کند که توکل ما به اوست و به او روی می آوریم و بازگشت نیز به سوی او خواهد بود.

ای روحانیت مگر ندیدید خاکستریها چطور برای رسیدن به اهداف خود دست به نسل کشی محبین علی (ع) زدند و امت را به بی راهه بردند؟؟؟
چه شد شما سکوت کردید؟؟؟

ما در هشت سال دفاع مقدس 232000 پیر و جوان از دست دادیم تازه با آنهمه هزینه ای که بر دشمن وارد کردیم تا بتواند این تعداد محبین اهل بیت را به ملکوت برساند.

ولی اینان با نیرنگی بزرگ و کثیف توانستند با شعار زندگی بهتر بچه ای کمتر بدون کمترین هزینه ای که بخواهد به دشمنان این ملت زجر کشیده وارد کنند از جیب همین ملت خرج کردند و فرزندانمان را کشتند آنهم نه یک نفر یا دونفر بلکه 4500000 نفر انسان بی گناه را!!

یکه نکته ای بسیار بسیار مهم : چطور وبه چه قیمتی سکوت کردید د تا این چنین نسل کشی به نفع وهابیت بکنند.

در سال 1357 تعداد این دشمنان اهل بیت و محبین شان در کشور یک چهلم محبین علی بوده است ولی حالا در 1392 تعدادشان یک دهم ما شده است و همچنان در حال رشد می باشند!!
چرا در این جنایت بزرگ همراهی کردید و ذره ای از امام زمان (عج) شرم نکردید.

مگر خود به چشم خود نمی بینید که حتی از پیکر کشته شده یک دوستار علی (ع) هم نمی گذرند و اعضای بدش را به دندان می کشند!!؟؟
مگر غیر از این است که این تغیر ساختار جمعیتی فقط و فقط به نفع دشمنان ملتمان و محبین اهل بیت در جهان خواهد بود؟
پس چه شد شما علمای دین احکام الهی را فراموش کردید و چشم بر کرده های این کافران و منافقان بستید؟

ای علما وای روحانیت وای اندیشمندان صالح به فریاد دین برسید به فریاد اسلام برسید به فریاد قرآن برسید به فریاد این ملت مظلوم و محب علی برسید شما راجه شده است؟؟؟
می خواهم خاطره ای غم انگیز و واقعی که جگر هر مخلوقی را به درد می آورد و جای دارد انسان طلب مرگ از خدا ی غیور بکند به ناچار باز گو کنم:

در سالهای 1376 لغایت 1380 اینجانب در نیروی انتظامی مامور به خدمت بودم و در استان سیتان و بلوچستان به عنوان فرماندهی یگان هجرت مشغول خدمت بودم در سال 1378 گزارشی در پرونده های موجود مشاهده کردم مبنی بر این که عده ای راه زن و وهابی در جاده ی کرمان به زاهدان در سال 1375 اقدام به راه بندانی و سرقت یک دستگاه اتو بوس که از شیراز به

زاهدان در حال عظیمت بوده است نموده بودند آنچه در آنجا اتفاق افتاده بود به شرح ذیل می باشد:

سرکرده ی آن گروه وهابی وشرور کسی نبود جز حسن شه بخش به همراه چند نفر از اقوام و نزدیکانش .

اینان با بی شر می تمام اتوبوس را از جاده منحرف می کنند وچند کیلو متر به بی راهه دور از جاده ی اصلی می برند و پس از آن شروع به غارت اموال مسافرین می کنند .

در بین مسافرین چند دختر که اهل شیراز بودند ودر دانشکده ی پزشکی زاهدان مشغول تحصیل بودند حضور داشتند .

حسن شه بخش آنها را از مسافرین جدا میکند ودر حال بردن به یک مخفی گاهی قدری آن طرف تر بود که ناگاه با مخالفت و درگیری شاگرد غیرتمند وناموس پرست راننده ی اتو بوس در آن دل شب مواجه می شود در نهایت یکی از نیرو های آن شرور کثیف آن شاگرد را به شهادت می رساند .

پس از این ماجرا راننده ی اتو بوس برای نجات دادن دختران دانشجو و کمک به شاگرد خود می آید وبا ضاربان آنان بادت خالی در گیر میشود لذا این غیور مرد هم پس از چند لحظه مقاومت به شهادت میرسد .

در بین آن چند دختر دانشجو یک نفرشان از آن که این افراد شرور بخواهند به او نزدیک شوند ممانعت کرده بود لذا این شیر زن را قبل از آنی که بتوانند به او نزدیک شوند او را به شهادت می رسانند آن هم چه شهادتی با رگبار گلوله او را از وسط به دو نیم کرده

بودند وبا الباقی آنان آنچه نباید اتفاق می افتاد افتاده بود و پس از ساعتی ان افراد شرور از آن محل متواری شدند و تاکنون کسی رده پای از این گروه پیدا نکرده است!! پس از مطلع شدنم از این ما چرا از بچه های اطلاعات انتظامی استان اطلاعات بیشتری گرفتم و از فرماندهی وقت درخواست کردم به ما اجازه دهد تا این پرونده را پیگیر شویم ایشان ضمنی موافقت کردند. (در جلد اول این کتاب ماجرای خان محمد را نقل کرده ام مراجعه شود) از تبانی این افراد و دست داشتن پشت پرده با نیروها یی از جنس خاکستر برایم محسوس بود .

چطور می شود شخص پستی همچون حسن شه بخش پس از اینهمه جنایت و بمب گذاری در سالهای قبل تر در مراکز شیعه بدون هیچ مشکلی در کشور زندگی کند و جالب تر از همه هیچ کس در تعقب او نباشد؟! و هیچ کس نداند او در حال حاضر کجاست؟

بطور شبانه روزی وبی وقفه تلاش می کردیم و تمام عناصر خود را بسیج نمودیم تا آنکه در کمال ناباوری پس از چند ماه تلاش او را یافتیم آنهم در کجا!!! .

او در شهر کرمان آنهم در وسط شهر به راحتی در حال تردد بود حسن آقا در آنجا یک نمایشگاه ماشین بسیار بزرگی زده بود و مشغول فروش مواد مخدر و همچنان بی ناموسی خود بود البته تمام پشته وانه اش یکی از مسئولین طراز اول امنیتی کرمان بود زیرا این شخص در تمام کاسبیهایش با شریک بود هرچند بعدها مطلع شدم که خاکستریها خود نیاز شدید به این قماش افراد دارند!!!

به هر حال آماده دستگیری او شدیم متأسفانه دادگستری استان به هیچ وجه راضی نمی شد در نتیجه به او اطلاع دادند که شخصی به نام رضا حاجیان قصد دستگیری تورا دارد در حال حاضر دیگر در شهر آفتابی نشو او هم چنین کرد و پیامهای مفصلی برای ما فرستاد و ما تهدید می کرد من با او چند بار در کوهستان خودشان قرار گذاشتم و به او می گفتم من خود می آیم هرکجا که تو بگویی لازم به تهدید نیست ولی شریکش از این حرفها زرنگ تر بود تا آنکه در سال 1379 یکی از رهبران مافیای خاکستری بنام آقای هاشمی شاهرودی رئیس وقت قوه قضائیه کشور را به کرمان آوردند و ایشان با تمام بی غیرتی شرور حسن شه بخش را با تمام جنایتهای که عامدن مرتکب شده بود بخشیدند و شخصا دستور منع تعقب این بی ناموس را صادر کردند!!!!

حضرت آیت ا... اگر فردی با دخترت و یا ناموست و یا بستگان چنین کند آیا باز هم او را می بخشیدید آنهم بدون پرداخت کمترین هزینه ای؟؟؟؟؟

گیرم دبیر کلی در حزب الدعوه عراق (همان انجمن حجتیه ای ایران) دینتان و غیرت شما خاکستریها را برده باشد!

مگر جان این محبین علی و مردم برای شما هیچ ارزشی ندارد فقط جان شما جان است؟؟؟

مگر ناموس دختران ایران زمین برای شما خاکستریها ناموس نمی باشد که چنین بی ناموسی آنهم به صورت قانونی می کنید؟؟؟

در جلد اول کتاب به همزمان سابقم عرض کرده ام که قانونی که قوه ای قضائیه ای آن این

آقایان ومسئولین امنیتی آن همچون حجت الکفار والمناقین تائب(رئیس اطلاعات کل سپاه) وپلیس امنیتش سردار اشتری که همگی ایشان از نوکران سردار سایه ها مرتضی رضائی می باشند قانونشان غارتگریست نه دفاع از مال وناموس ملت ایران مگر اینان با سرمچار چه کردند؟؟ فقط خواستم گوشه ای از جنایات وهابیت وارتباط نزدیک خاکستریها را بادشمنان ملت شاهی آورده باشم

اگر شما علما دین مدعی هستید که از این ماجرها اطلاعی نداشته اید پس چه شد شما حافظان دین چشم بر عملکرد بانکها بستید وربارا حلال شمردید؟؟ مگر مطالب ذیل در قرآن و کتب اربعه شیعه وهچنین در رساله های شرعیه مجتهدین از 1200سال قبل تا کنون نیامده است؟؟

مسئله 4 تحریل الوسيله امام خمینی- آنچه بانك و یا غیر بانك از بدهكار در صورت تاخیر پرداخت از تاریخ سررسید از مدیون صوری اضافه می گیرد حرام است و گرفتن آن جائز نیست هر چند که دو طرف معامله به این معنا تراضی داشته باشند.

مسئله 3 تحریل الوسيله امام خمینی- امانات و دیعه هائیکه اشخاص به بانکها می دهند (و آنرا سپرده بانکی می گویند) اگر عنوان قرض و تملیک با ضمانت را داشته باشد اشکالی ندارد و برای بانك جائز است در آن تصرف کند، اما قرار دادن نفع و فائده در آن حرام است همچنانکه دادن سود از طرف بانك حرام و گرفتن آن نیز نامشروع و حرام است و در صورت تلف و یا اتلاف سود، گیرنده آن (که یا بانك

است و یا صاحب سپرده (ضامن آن سود است هر چند که اصل قرض صحیح است.

مسئله 4 تحریل الوسيله امام خمینی- در این قرار داد منفعت و حرمت آن فرقی نیست بین اینکه هنگام گرفتن قرض طرفین تصریح بآن کنند، یا براساس قانونیکه بانک برای خود مقرر کرده دادن و گرفتن قرض را انجام دهند، بنابراین اگر قانون بانک برای عموم صاحب سپرده ها اینست که بآنان فلان مبلغ سود بدهد و یا از کسانیکه از بانک قرض می گیرند فلان مبلغ سود بستاند و دادوستد قرض براساس این قانون صورت بگیرد قرض صحیح و آن سود حرام است.

به چه قیمتی سکوت کردید؟؟ و با اینان هم پیاله شدید!!

چه شد چشم بر تنهایی رهبر غریب و اسیرمان آقا سیدعلی خامنه ای بستید؟؟ و او را تنها گذاشتید وعدهای از شما در پی جاه طلبی خود ماندین و اطرافش را خالی کردید اجازه دادید خاکستریها در کودتا یی سرد اطرافشان را بگیرند و آن بیت مکرم را به یک زندان خانگی برای آقایمان تبدیل کنند و آنجا را به یک پادگان نظامی امنیتی تبدیل کنند و تمامی افعالشان را به نام این سید مظلوم بگذارند تا بهتر بتوانند به نام رهبر مظلوممان این ملت و رهبرشان را غارت کنند؟؟

در حالی که شما از منزلت و موقعیت خودتان برای کمک رساندن به رهبر غریبمان استفاده نمیکنید و کسی را هم که در این راه احساس وظیفه می کند را مورد حمایت و کمک خود قرار نمی دهید و عده ای از شما با چاپلوسی و سازش

با ستمگران، امنیّت خود را فراهم می‌آورید. تمام این موارد از آن چیزهاست که خداوند بدان فرمان داده تا جلوگیری نمایید و به طور گروهی نهی از منکر کنید در حالی که شما از این فرمان مهم غافل شده‌اید. بیشترین مصیبت شامل حال شماست که نتوانستید جایگاه واقعی علمای حقیقی را حفظ نمایید و در این خصوص مغلوب شدید و ای کاش شما شعورتان را در این رابطه به کار می‌گرفتید! این به خاطر آن است که راهکارها و اجرای احکام به دست دانشمندان خداشناس است که بر حلال و حرام خدا امین هستند و این موقعیّت و منزلت از شما گرفته شده است و این از دست دادن موقعیّت به سبب آن است که شما در خصوص حقّ دچار تفرقه شدید و در باره راه و روش پیامبر صلیّ الله علیه و آله با وجود دلیل روشن، به اختلاف پرداختید.

پس شما علمای دین ما را یاری نکردید و در حقّ ما انصاف ننمودید لذا زیر سلطه ستمگران قرار گرفتید و آنان در خاموش ساختن نور پیامبرمان دست به کار شدند. و شریعت محمدی (ص) را با نام خودش نابود می‌کنند.

دلیلش هم برای این بوده که این غارتگران بهتر بتوانند ما را غارت کنند در حالی که اگر بر آزارشان شکیبا بودید و به خاطر خدا تحمل به خرج می‌دادید، و با چند تهمت و آبروریزی از طرف اتاق فکر این مافیای خاکستری که همان موسسه ای امام خمینی به رهبری پدر خاکستریها آقای مصباح است جا نمی‌زدید و فرار نمی‌کردید بلکه مقابله مینمودید و فریاد می‌زدید و از شبه نظامیانشان نمی‌ترسیدید!!

کارهایی را که خدا بر شما مقرر داشته بود به شما بازمی‌گرداند و از سوی شما در دسترس دیگران قرار می‌گرفت و داوری در احکام خدا را نزد شما می‌آوردند، نه آنکه باید ملت به زور از روی اجبار به این قوه ای قضائیه ای فاسد و فاجر رجوع کنند ولی شما جایگاه موقعیت خود را به ستمکاران وا گذاشتید و زمام کارهای خدا را به دست آنان سپردید و آنچه موجب سلطه آنان بر این مقام شد، گریز شما از مرگ و شیفستگی‌تان به زندگی دنیوی بوده که سرانجام از شما جدا خواهد شد. شما با این روحیه و روش، ملت و خود را گرفتار نمودید و همگان و خود را نابود ساخته اید و این مملکت و خود را در چنگال این ستمکاران گرفتار کرده اید تا یکی برده وار سرکوفته باشد و دیگری بیچاره وار سرگرم تأمین آب و نان. تا خاکستریها خودسرانه مملکت را دستخوش حوادث ناخوشایند نمایند و رسوائی و ننگ هوسبازی را با پیروی کردن از تبهکاران و گستاخی بر خدای جبار، برخورد هموار سازند. اینان در هر شهری سخنوری از همان موسسه ای که به نام امام روح ... زهر نوشانیده شده بر منابر میفرستند و تمامی افعال خود را توجیه می کنند و حا آنکه در زمان حیات حضرت روح ... خودشان از دشمنان و زهر نوشانندگان به او بودند!! و حالا به نام دین همه سرزمین اسلامی ایرانمان بدون دفاع زیر پایشان له می کنند و خون اینهمه شهید را به هدر میدهند و دستشان بر انجام هرکاری در تمام این سرزمین باز است و مردم برده وار بدون داشتن کمترین قدرت دفاع تحت فرمان آنهایند. برخی زورگو و کینه ورزند و بر

ناتوانان سخت می‌تازند و اموال شان را غارت می‌کنند ، و برخی به خدا و قیامت اعتقادی ندارند نمونه ی بارز و مستدل خود سرمچار (رضا حاجیان) می باشد که چه رفتار ظالمانه و وحشیانه ای با ما کردند توضیح کاملش در جلد اول فریاد عدالت یک سرمچار آمده است مختصر توضیحی را برای شما هم وطن عزیز شاید جلد اول را در اختیار نداشته باشید خواهی داد: شرکت سرمایه گذاری تلاش گران فلق یکی از هزاران شرکت مافیای خاکستری میباشد که مالک آن سردار سایه ها مرتضی رضایی می باشد که سابقه ای این شیطان انسان نما به شردیلاست ((این عکس که مشاهده می کنید در تاریخ 1360 گرفته شده است)) از طرف شخص بنی صدر و به قلم او به عنوان فرمانده کل سپاه منصوب می شود، رفیق ویار قار بنی صدر به حکم او و زور آیت الله محلاتی باید فرمانده سپاه بنی صدر باقی بماند؟؟ در صورتی که در همان زمان عده ای کثیری از برادران پاسدار بُنیّه دار



وباهوش حتی با حکم بنی صدر هم مخالفت کردند ولی کو گوش شنوا! وبعداز آنکه مدتی در همین سمت بود و آقای بنی صدر خیانتش به مملکتش و رابطه ای او با دشمنان داخلی وخارجی امام وانصارش کشف گردیدو بر همگان ماهیت او واطرافیانش روشن گردید. ولی باز عده ای او را حفظ می کنند!! و او پس چندی سکوت معنی دار به سمتهایی چون فرمانده قرارگاه - فرمانده حفاظت اطلاعات کل سپاه - فرمانده اطلاعات کل سپاه - جانشین کل سپاه ویکی از اعضای شورای امنیت و.....منصوب می شود!! در آن زمان آیت الله محلاتی ودراین دوران مصباح(پدر خاکستریها)فریاد رسی دارد؟! چون دستور براین است که مرتضی رضائی باید حفظ شود حتی بعداز بنی صدر هم کسی به او حق حرف زدن ندارد؟!

حتی بیگانگان! ،باید بماند! ،باید دوباره ارکان سپاه ونظام را دستش دهید؟! ماجراهای از این قبیل زیاد است جالب این نوع سابقه واین نوع حمایت در عده ای کثیری از خاکستریها دیده می شود مرتضی رضائی خوبشان است!!

پس از آنکه درسال 1388 به این نتیجه رسیدیم که نمیتوانیم بدونه داشتن سرمایه در گردش مجموعه ای کارخانه ومعادن نجم را اداره کنیم ادامه کاردیگرممکن نبود.درنهایت تصمیم گرفتیم مجموعه را بفروشم. ولی موانع متعددی سر راه هم بود که فروش مجموعه را دشوار می کرد.از طرفی می خواستم قبل از آنکه مقدار بدهیهای مجموعه برسرمایه‌های موجود پیشی نگیرد، آن را واگذار کنم.لذا باتعدادی از

کسانی که از مجموعه طلب کار بودند جلسه ای برقرار کردم. باتوجه به آنکه این افراد همگی باهم آشنایی نداشتند جلسات جداگانه برگزار می شد. اینجانب مشکلات قبلی و فعلی مجموعه را شفاف و با صداقت محض برای تک تک افراد توضیح دادم. در نتیجه تصمیم گرفته شد مجموعه باتمام بدهیهایش به این افراد تحت عنوان یک شرکت، بر مبنای سرمایه ای اولیه جهت راه اندازی مجدد کارخانه و معادن، سهام واگذار شود و مجموعه صد درصد به تملیک شرکت جدید درآید. متأسفانه اختلاف بین این افراد بر سر کسب سهام بالا گرفت. در این میان شرکت سرمایه گذاری فلق جلسه ای زیادی در دفتر آقای امیر آقایی برگزار کردند. در آنجا به اسرار زیاد نماینده، وکیل حقوقی سردار مرتضی رضایی (آقایان قنبری و کاظمی) مالک اصلی شرکت فلق بر این موضوع، که اگر بنا است مابابت طلب شرکت فلق اقدام قانونی نکنیم و مانع از تشکیل شرکت جدید نشویم باید 51% از سهم کل مجموعه ای نجم بنام شرکت فلق شود. از آن طرف دیگران بهیچ وجه قبول نداشتند. علت را چنین بیان میکردند 51% از سهام کل در اختیار یک نفر یعنی سهام برتر، و حق بیشتر، در تمام تصمیم گیریها. در نتیجه توافق نمی کردند. سرانجام شرکت فلق 100% مجموعه ای کارخانه و معادن نجم را خریداری کرد. و طی قرارداد نامه ای (قولنامه) تمام دیون و بدهیهای مجموعه ای نجم ائمه از افراد حقیقی و حقوقی طی یک لیستی پذیرفت. و متعهد به پرداخت گردید. در نتیجه شرکت فلق وارد مذاکره و مکاتبه با تمامی طلب کاران مجموعه شد

بطور نمونه با تعدادی از این اسناد اشاره میکنم:

1- نامهای متعدد به بانکهای ملت، صادرات، رفاه و جلسات مختلف با مسئولین استانی آنها و ارائه سندهای مختلف ملکی خویش جهت جابجای باسند کارخانه. بدلیل آنکه هنوز سند کارخانه به نام اینجانب بود هرچند در محضری در خیابان شهدا تهران طی وکالتی بلاعزل سند کارخانه پروانه بهره‌برداری آن، و هم چنین پروانه بهره‌برداری معادن را بنام خود زدند و از اینجانب بطور صددرصدی صلب اختیار کرده بودند.

2- نامه‌های مختلف به دوائر دولتی مبنی اعلام خرید مجموعه ای نجم و تعهد پرداخت کل دیون آن مانند اداره بندرلنگه، سازمان صنعت و معدن و تجارت، سازمان تامین اجتماعی، اداره برق لنگه و حتی جابه‌جای نام فیش برق از نام اینجانب به نام خودشان، ادارهای آب و فاضلاب لنگه و جابه‌جای فیش آب از نام اینجانب به نام خود و..... تمامی موارد ذکر شده هم نزد دوائر دولتی و خودشان اسنادش موجود می‌باشد. حتی در بیشتر موارد چکهای داده شده از طرف شرکت فلق و یا شرکتهای وابسته به آن موجود می‌باشد.

3- ارائه ای نامه‌های مختلف و اسنادگوناگون به نیروی انتظامی و دادگستری لنگه. برای اثبات این موضوع که مجموعه نجم را در سال 1389 از اینجانب خریداری کرده اند.

4- پرداخت نقدی دیون اینجانب به تعدادی از طلب کاران مجموعه ای نجم که بالغ بر 40-50 نفر می‌باشند به مبلغ 2500000000 میلیون

تومان . و موارد متعدد دیگری که در این کتاب
مجاله ذکر آن نیست

نیرنگ بزرگ و غیر قابل تصور از غارتگران فلق
وانکارکل معامله و خرید مجموعه نجم توسط
فلقی ها پس از قریب سه سال و روشن شدن ماهیت
سرداران خاکستری

با توجه به گذشت قریب سه سال از معامله
قطعی و با تمام اسناد موجود ذکر شده به شرح
بالا در تاریخ 12/5/1390 بانماینده سردار
مرتضی رضایی (حسین امیر آقائی) تماس گرفتم
و گفتم آقای حاج حسین آقا قریب یک سال است
شما ذره ای از بدهی ها را نداده اید و هم
اکنون که مشغول تولید و فروش هستید آن دسته
از دوستان من که در جاهای مختلف تعهد بدهی
های مرا (شرکت نجم) کرده اند شدید در فشار
هستند و شما طبق آن قرارداد نامه متعهد شده
بودید این دیون را پرداخت کنید پارسال برج
هفت قول داده بودید که به یں فشارها پایان
می دهید. اوبه یکباره اعلام کرد حاج آقا در
باره ای چه صحبت می کنی ما (شرکت فلق) چیزی
از شما خریداری نکرده ایم که تعهد
بدهکاریهای شما را کرده باشیم. به او گفتم
کنار چه کسی نشسته اید که بامن این جوری
صحبت می کنید گفت بیا تهران تا خواستم حرفی
بزنم گفت بیا تهران از نزدیک باهم صحبت
کنیم .

بعد از آن تاریخ حدود 20 روز طول کشید تا
نماینده ای سردار خاکستری را پیدا کنم یا
جواب نمی دادند و یا مسئول دفترشان می گفت
ایران نیستند . سرانجام روز چهارشنبه ساعت
18 قرار شد در یکی از دفتر هایشان ایشان را
ببینم . در همان ابتدای دیدار گفت من جلسه

ای فوری دارم ونیم ساعت بیشتر وقت ندارم .
من حسین آقا را قلباً دوست می داشتم دوست
نداشتم حداقل از زبان حسین این مطالب را
بشنوم وپیش خود می گفتم درآن تماس تلفنی
قطاً اتفاقی آن حرفها را زده است چون من
شخصاً ارادت ویژه ای به حسین آقا داشتم ولی
در این دو سال کاملاً ماهیت شرکت فلق و
سرداران و اعضای آنها برای من مشخص بود.
در آن جلسه حسین آقا گفت: بین برادر شرکت
فلق از شما هیچ چیزی نخریده است وهیچگونه
بدهکاری به شما ندارد تازه آن مبالغی را که
به شما داده است باید برگردانید .گفتم:
کدامین مبلغ گفت: خرج کردشان درشرکت نجم.
گفتم: این فلقی هااگر ازما نجم را نخریده
اند چطور در آن خرج کرده اند؟.و بخشی از
بدهیهای نجم را پرداخت کرده اند؟
گفتم: حسین آقا الظاهر آقا مرتضی دیگر بی
شرافتی را به سرحد اعلا رسانده است چطور به
شما یاد می دهدچنین بگویید؟ .تازه قولنامه و
محضر را می خواهد چه کند؟ .گفت محضر را
چندی قبل تر خودم باطل کرده ام! . گفتم: عجب
پس از قبل برنامه ریزی کرده اید! پس تکلیف
آن عده از دوستان من چه می شود؟ گفت: به
خودشما مربوط است، دانستم از قبل تصمیم
گیری شده است. چون خود حسین هم که حرف می
زد از عذاب وجدان رنگ بصورت نداشت.من به
خوبی می دانستم که او در آن لحظه فقط اجرای
اوامر مافوق خود می کند .گفتم: با شد حسین
آقا باید حق را گرفت .گفت: بین مادیشب با
دادستان کل کشورآقای محسنی اژه ای جلسه
داشتیم بی خود شلوغش نکن با شکایت به جایی
نمی رسی .هرچند خود می دانستم چون از قبل

ارتباط آقا مرتضی و آقا آیت الله شاهرودی برایم مشخص شده بود.

با خود می گفتم من احمق نیستم شکایت کنم، وبا دست خودم خودرا راهی زندان کنم، آنهم زندانی که برگشتی ندارد!!گفت: ببین اگر بخواهی کاری بکنی دست بالای دست بسیار است. آن پیام آقا مرتضی راهم خوب گرفتم. واز جا بر خواستیم به حسین گفتم: من از این به بعد بر خود تکلیف می بینم که انشالله حق عده ای گرفتار شده ومظلوم را از آقا مرتضی وپسرش مصطفی که در این مدت مدیر اصلی نجم فروخته به فلق بودرا بگیرم. بیرون آمدم!!

.باخود می گفتم چطور می شود محضر را باطل کنند؟! مگر می شود انکار کنند؟ قریب سه سال در شهر لنگه رفت و آمد کرده اند؟! وپسرش مصطفی مدیر آن مجموعه بوده است؟! تازه از آن مجموعه ملیونها تومان جنس فروخته اند؟! با بندر ونیروی انتظامی وشرکتهای مختلف قراردادهایی بسته اند؟! به عده ای از طلب کاران ما وجه نقد پرداخت کرده بودند؟!

روشن شدن ماهیت سرداران خاکستری در نهایت گفتم کاری است که شده باید چاره ای اندیشید خوب است پیش دوستان سپاهی ومسئولین کشوری خود بروم ومشورتی بگیرم. از فردای آن روز چنین کردم 11نفر را ملاقات کردم. 4نفرشان هم درجهء خود سردار خاکستری بودند والباقی عزیزان یک پله پائین تر آنهم از نظر دنیایی ولی تفاوت بین این عزیزان وسردار خاکستری ازسیاهی تا روشنایی بود از تاریکی تا نور بود. بغير از دونفرشان همگی مرتضی رضائی را کاملاً می شناختند ومی گفتند

تو با او چکار داشتی اوکارش از این حرفها گذشته است. به آنها می گفتم خدا شاهده است من درابتدای کار نمی دانستم نا خواسته دردم یکی از دهها شرکت این از خدا بی خبر افتادم. و دیگر هیچ راه پس و پیش نداشتم چون تمام زندگیم رامحضر بنام آنها زده بودم با توجه به مسائلی هم که از آنها میدیدم باز سکوت اختیار می کردم تا شاید این ماجراها تمام شود و تمام ثمن معامله که همان پرداخت بدهی ها بود را بدهند. بعضی از این آقایان می گفتند ای بنده ای خدا این آقا مرتضی فرقی با هشت پا ندارد تو اولین گرفتار نیستی او خیلی از بچه های حفاظت اطلاعات سپاه و اطلاعات کل سپاه را گرفتار خود کرده است حتی بعضی ها در زندان سپاه بسر میبرند هر یک به شکلی... 3 نفر از این فرماندهان از من خیلی جدی سوال می کردند آیا تودراین مدت برای او عملیاتی انجام نداده ای؟ گفتم خیر منظورتان چیست! می گفتند اگر کاری انجام داده ای بما بگو قسم می خوردم و می گفتم والله خیر سوال می کردند از ماجرای ترور های دانشمندان هسته ای خبری نداری؟ می گفتم نه باید چه خبری داشته باشم همین قدر از صدا و سیما چیزهای شنیده ام که کار اسرائیلی ها می باشد. هر یک واکنشی نشان می دادند و می گفتند واقعاً هیچ نشانه ای و یا رد پایی از آنکه تشکیلات مرتضی دراین کار دست داشته باشند تو نداری در کمال حیرت و تعجب می گفتم مگر این ملعون تا این حد خبیث است؟ تازه من درآن حدنبود که بخواهند مرا در بین خود راه بدهند آقا مرتضی حتی یک بار خودش با من روبه رو نشد و من تنهابه یکی از شرکتهای او

مالی فروخته ام. و این آخرین مرحله بود که برای گرفتن طلب خودشان کل کارخانه را به قیمت تمام بدهی های آن از من گرفتند. من که در تشکیلات مخفی وزیر زمینی این غارتگران فعالیت نمی کردم. فقط چنداین بار پسرش را آنهم به اسم مستعار مسعود دیدم. و یک بار با هم به لنگه مسافرت کرده بودیم. به تازگی متوجه شدم مسعود همان مصطفی است. برای من از همه چیزنگران کننده تر این بود که این سه برادر مسئول به هیچ وجه از ارتباط من با آن دیگری اطلاع نداشتند. چون شغل و محل کارشان با یک دیگر متفاوت بود یکی از آنها جزو مسئولین تراز اول وزارت اطلاعات بود آن دیگری از فرماندهان ارشد سپاه بود و آن دیگری از نیروهای ارشد اطلاعات و بازرسی بیت بود. دونفر از این برادران می گفتند ما در حال بررسی و جمع آوری مستندات هستیم که تابه حال بین دو متهم بر علیه سردار مرتضی رضایی بیشترین شواهد را جمع آوری کرده ایم. حتی یکی از این برادران بصورت قطعی می گفت مرتضی و همدستانش در این ماجراها دخیل می باشند.

شگفتا! و چرا در شگفت نباشم که کشورم و دینم و رهبرم آقا سید علی اسیر و در تصرف خاکستریهای دغلباز و ستمکار و نابکار است که هیچ مهر و ترخمی بر مؤمنان ندارند؛ پس خدا در این کشمکش که ما داریم داوری خواهد کرد و به حکم قاطع خود در این مشاجره قضاوت خواهد نمود.

ای ملت ایران و محبین اهل بیت ما باید از آنچه خدا دوستداران خود را بدان پند داده

پند بگیریم. تنها راه نجاتمان ازدست این دژخیمهای زمان، فقط دریافت نور حقیقت آنهم از سرچشمه ای زلال حق می باشد. و آن تمسک جستن به قران و شریعت ناب محمدی(ص) همراه با ولایت امیرالمومنین علی(ع) و اولاد اطهرش، ازخودش تا امام حاضر ناظر حضرت حجت (عج) می باشد.

در سوره مائد(79،80) می فرماید: آنها هیچ گاه یکدیگر را از کار زشت خود نهی نمی کردند، و آنچه می کردند بسی قبیح و ناشایسته بود. بسیاری از آنها را خواهی دید که با کافران دوستی می کنند. ذخیره ای که برای خود پیش می فرستند و آن غضب خداست بسیار بد ذخیره ای است و آنها در عذاب جاوید خواهند بود.

همانا، خداوند آنان را مورد نکوهش قرار داده به خاطر اینکه در میان ستمکاران بودند و اعمال زشت و فاسد آنان را مشاهده می کردند ولی به طمع آنچه که داشتند و از بیم اینکه در شرایطی سخت واقع نشوند آنان را از آن اعمال نهی نمی کردند.

با اینکه خدا می فرماید: «و از مردم نترسید و از من بترسید» [مائدة (5)، آیه 44] و خدا به امر به معروف و نهی از منکر به عنوان يك فریضه از جانب خود آغاز سخن کرده و این به خاطر آن است که امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام است.

سخنی بامسئولین و آن عده ازسپاهسانی که از
اعضای خاکستریها و شبه نظامیانشان نمی
باشند:

شما، ای گروه پرقدرت، افرادی هستید معروف
به علم و دانش و نامدار به خوبی و خیرخواهی
و به واسطه خدا در دل مردم عظمت یافتید به
طوری که شخص شریف از شما حساب می‌برد و شخص
ضعیف شما را گرامی می‌دارد و آن کسی که پایه
او با شما یکی است و حقّ نعمتی از شما بر
گردن او نیست، شما را بر خود ترجیح می‌دهد.
هر گاه حاجتمندان از دست یافتن به حاجت خود
محروم شوند برای رسیدن به آن، شما را واسطه
قرار می‌دهند. شما به هیبت فرمانروایان و
بزرگواری بزرگان در راه گام بر می‌دارید.
آیا همه اینها به این خاطر نیست که مردم به
شما امید بسته‌اند تا به حقّ خدا قیام
نمایید؟ و اگر شما در حقوق الهی کوتاهی
نمایید به حقوق امامان بی‌اعتنایی نموده‌اید.
اما با این کارتان حقّ را ناتوانا وضایع
کرده‌اید.

سرمچار چندی است که از ماهیت خاکستریها
مطلع شده است آنهم به واسطه ای فروش
کارخانه ای خود ولی شما چه؟؟

چرا تا کنون سکوت کرده‌اید و همچنان ادامه
میدهید و حق این ملت مظلوم را پایمال می
کنید؟ در حالی که شما از منزلت و موقعیت
خودتان برای کمک رساندن به رهبر غریبمان
و ملت غارت شده به دست این اشقیاء استفاده
نمی‌کنید و کسی را هم که در این راه احساس
وظیفه می‌کند را مورد حمایت و کمک خود قرار
نمی‌دهید و حتی، برعکس آن عمل می‌کنید و برحق
شمشیر می‌کشید و قشون کشی راه می‌اندازید

سرمچار باید به نظر شما تا کی برای آنکه از شما ها کسی آسیب نبیند و خدای ناخواسته را کشته نشود در ویرانه ها بسر ببرد.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله فرمود: هر کس وکیل مدافع ستمکاری شود و یا ستمکاری را در ستم یاری کند آنگاه که فرشته مرگ بر بالین او سایه گسترد، باو گوید: مژده باد ترا بلعنت و نفرین خدا و آتش دوزخ و آن بسیار بد سرانجامی برای او خواهد بود،

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله فرمود: هر کس حاکم ستمکاری را بستاید و نزد او خود را کوچک کند و فروتنی نماید، بامید بهره‌ای که از وی بدو رسد او همدم همان حاکم ستمکار است در آتش، خواهد بود

سکونی گوید: جعفر بن محمد علیهما السّلام روایت کرد که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله و سلّم فرموده است: چون روز قیامت شود منادی حقّ ندا دهد: کجایند بیداد گران و کمک کاران آنها، و آنان که برای ایشان دواتی لایقه کردند، یا سر کیسه و جوالی را برای آنها ریسمان بستند، یا قلمی را اصلاح نمودند؟ پس همه آنها را با ظالمان يك جا محشور کنید. و حال آنکه عده ای از شما با چاپلوسی و سازش با خاکستریها و شبه نظامیانشان امنیت خود را فراهم می‌آورید. تمام این موارد از آن چیزهاست که خداوند بدان فرمان داده تا جلوگیری نمایید و با آن مقابله کنید در حالی که شما از این فرمان مهم غافل شده‌اید.

ولی آنچه را که حقّ خود می‌پنداشتید به آن دست یافته‌اید بدون آن که مالی را بخشش نمایید یا جان خود را به خطر افکنید یا به خاطر خدا با گروهی درگیر شوید؛ با این حال و وضع آرزوی بهشت خدا و همجواری پیامبران و امان از عذاب الهی را دارید؟! ای کسانی که چنین آرزوهای رؤیائی را در سر می‌پرورانید بر شما می‌ترسم که انتقامی از انتقام‌های الهی بر سرتان فرود آید؛ زیرا شما در سایه بزرگواری خداوند به جایگاهی رسیده‌اید که بر دیگران برتری پیدا کرده‌اید؛ در حالی که خداشناسان راستین را مردم گرامی نمی‌دانند ولی شما به نام خدا ورسولش نزد مردم گرامی شده‌اید.

اکنون می‌بینید پیمانهای خدا شکسته می‌شود ولی ناراحت نیستید عهد و پیمان رسول خدا صلیّ الله علیه و آله خوار شده است. و هراسناک نمی‌شوید، در حالی که ننگ شکستن پیمانهای خودتان را بر نمی‌تابید

ای بندگان خدا! اگر همین دنیا آخرین چشم‌انداز شما و منزل نهایی‌تان بود، ارزش آن را داشت که انسان غم‌های خود را بزداید و آن را به بوته فراموشی سپارد و تلاش و کوشش خود را در راستای رهاسازی خویش از دست آن به کار گیرد ولی چگونه چنین باشد در حالی که پس از این جهان در گرو اعمال خویش است و برای رسیدگی به حسابش بازداشت خواهد شد. نه یاوری دارد که او را باز دارد و نه پشتیبانی دارد که از او حمایت نماید. در آن روز ایمان آوردن کارساز نباشد اگر در دنیا بی‌ایمان بوده است یا با داشتن ایمان خیری

کسب نکرده است. مگر می شود دل به دنیا بست
و طلب آخرت کرد

شما و خود را به تقوای الهی سفارش می‌کنم؛
زیرا خدا ضمانت داده که هر کس اهل تقوی
باشد از وضعی که مورد پسندش نیست به وضع
پسندیده و دلخواهش منتقل سازد «و از جایی
که حسابش را نمی‌کند، به او روزی رساند»
سوره طلاق (65) 3

مبادا ما از کسانی باشیم که بر گناهان
بندگان خدا بیمناک است ولی از عقوبت گناه
خویش آسوده خاطر! زیرا خدای تبارک و تعالی
در باره بهشتش فریب نمی‌خورد و دستیابی به
آنچه نزد خداست جز به اطاعت از او- اگر خدا
خواهد- امکان پذیر نیست.

سخن آخر با خاکستریها و اربابان خارجی آنها
بدانید و دانسته باشید سرمچار (رضا
حاجیان) خود سرباز اسلام و رهبر است و شما نمی
توانید او را به نام اسلام و رهبر فریب دهید.
زیرا افکار و شگردهای شیطانی شما کا فران با
خبر است شما حتی از نوشاندن زهر توسط
اقوام نزدیک به مخالفان خود هیچ ابایی
ندارید تا چه رسد به الباقی.....
شما خود شروع کننده بودید!.

شما خود سرمچار را غارت کردید!
شما خود برای کشتن سرمچار عده ای کفتار صفت
فرستادید!

و حالا دیگر شما برای جلوگیری از نابود شدن
تمامی اموالتان و زندگیتان در ازای نابود
کردن تمام اموال و زندگی سرمچار چاره ای جز
پرداخت کامل دیونتان را به یکبار ندارید
این هشدار را به حساب ترس سرمچار از خودتان
نگذارید بلکه فقط و فقط به حساب محبتی که

خداوند از مولایم علی (ع) در دلم قرارداد داده است و اتمام حجت شرعی و جلوگیری از خونریزی و کشته نشدن عده ای جاهل بدانید هر چند کشتن سرمچار هم آزمایش کرده اید و این مسیر یک راه دیگریست برای شما ،مانند آن چند نفر دیگر!!

به شما هشدار می دهم مسبب کشته شدن عده ای بیگناه و بی خبر نشوید و خون آنها و سرمچار را بر ضمه خود نگیرید و خون خود و اطرافیانتان را به هدر ندهید

سرمچار به مولای خود اقتدا کرده است و این حدیث شریف سر لوحه ای او می باشد اشعث بن قیس کندی به امیر المؤمنین علیه السلام گفت: آیا خوب نبود تو هم کار عثمان بن عفان را می کردی وقتی دید مردم با او مخالف شده اند با اینکه از قبيله خود یارانی داشت ولی آنان را به کمک خود نخواند. مردم هم وقتی این حالت او را دیدند حمله کردند و او را کشتند.

حضرت فرمودند: آیا خیال می کنید من هم کار عثمان را انجام می دهم؟ ای پسر قیس، من از شر آنچه می گویی بخدا پناه می برم! بخدا قسم آنچه عثمان انجام داد خفت آور است حتی برای کسی که دین ندارد و حق در دست او نیست، من چگونه آن را انجام دهم در حالی که دلیلی از جانب پروردگارم دارم و حجت او در دست من و حق با من است؟! بخدا قسم، اگر کسی به دشمن خود اجازه دهد تا گوشت او را جدا کند و پوستش را پاره کند و استخوانش را بشکند و خونسش را بریزد، در حالی که قادر بر ممانعت او باشد، گناه او عظیم است و آنچه سینه اش آن را در خود جای داده (یعنی قلبش) ضعیف

است اگر تو می‌خواهی ای پسر قیس چنین کسی باش، و اما من نخواهم بود و کمتر از این راضی نمی‌شوم که با دست خویش ضربه شمشیری فرود آورم که استخوان سرها را به هوا پرتاب کند و از ضرب آن کف و مچ دست نابود شود، و بعد از آن خدا هر چه بخواهد می‌کند. و ای بر تو ای پسر قیس! مؤمن به هر مرگی می‌میرد ولی خود را نمی‌کشد. هر کس قادر بر حفظ خون خود باشد و بین خود و قاتلش را آزاد بگذارد، در واقع خود را کشته است. وای بر تو ای پسر قیس! این امت بر هفتاد و سه گروه متفرق می‌شوند، یک گروه از اینان در بهشت و هفتاد و دو گروه در آتشاند. بدترین آنها و مبعوض‌ترینشان نزد خداوند و دورترین آنها از خدا «سامره» هستند که می‌گویند «جنگ نه» و دروغ می‌گویند. خداوند عز و جل به جنگ این تجاوزکاران و از دین خارج‌شدگان در کتاب خود و سنت پیامبرش دستور داده است.

أسرار آل محمد علیهم السلام ص: 316

در پایان چند کلمه ای را که در وصیتنامه ام به چهار فرزندم علی، فاطمه، زهرا و محمد سفارش نموده ام را به رسم یادگاری به تمامی کودکان و نوجوانان ایران زمین تقدیم میدارم البته این سفارشات تنها برای آنها بوده است و سرمچار هیچگونه ادعائی بر عامل بودن به این تذکرات ندارد و شما لطفاً برای سرمچار تنهای آنها دعا کنید :

وصیت و سفارش می‌کنم ، به شما فرزندان عزیزم علی و فاطمه، زهرا و محمد:

با آنکه خداوند بهترین و کافی ترین وصی است شمارا سفارش میکند که به آنچه سفارش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام و از ایشان به فرزندان معصومش رسیده است. فرزندان عزیزم ، مبادا که دنیا بالاترین و بزرگترین مسئله زندگی و مهمترین هم و غم شما شود

ما در این عالم امانت داری بیش نیستیم پس بر امانتهای خود نیفزائید زیرا حفظ امانت و رد امانت بسیار مشکل تر از گرفتن آن است دقت کنید! شمارا سفارش می کنم که نماز را در سر وقت آن بگذارید ، و در پنهان و پیدا، خدای ترس باشید و از شتاب در گفتار و کردار جداً بپرهیزید.

امر خدا را بر تمامی امور مقدم بدارید اگر امری از امور آخرت پیش آمد، مقدم بر هر کار دیگر بدانید، و نگذارید شیاطین با وسوسه های خود مانع شما شوند نسبت به انجام آن. و اگر امری دنیوی بود، در آن شتاب نکنید تا آن که حقیقت و راه صحیح آن بر شما آشکار گردد زیرا شتاب در اموردنیوی از خدعه های شیطان است .

شما را از مراکزی که موجب اتهام است بر حذر می دارم و همچنین از محافلی که مظنون به بدی و تباهی است ، منع می کنم زیرا همنشین بد، آدمی را با کمک شیطان، فریب خواهد داد. در مسائلی که بر شما روشن نیست ، سکوت اختیار کنید و از بدگویی اجتناب کنید و

عدالت را چه در حالت خشنودی و چه به هنگام خشم ، رعایت کنید

فرزندانم دوستدار صالحان و نیکوکاران باشید و دین خود را از آفت فاسقان و تباہکاران ، نگاهدارید ، و در دل نسبت به آنان دشمن باشید ، و با رفتار خود، از خویشتن دورشان سازید، تا مبادا خدای نکرده مانند و هماهنگ با اینان شوید . میهمان خویش را گرمی بدارید و خصوصاً پدر بزرگ ومادربزرگتان را حرمت دارید. از خویشاوندان پیوند نگسلید و با رنجدیدگان و بلا کشیدگان ، فقیران و بیچاره گان مهربان باشید و با ایشان ، نشست و برخاست کنید ، و پیوسته فروتن باشید . که فروتنی جزو والاترین عبادتهاست.

وهمیشه خصم ظالمان ودین فروشان وغارتگران باشید . که اینهم جزو والاترین عبادتهاست.فرزندانم ظلم را نپذیرید زیرا فرقی بین ظالم وپذیرنده ای ظلم نخواهد بود

فرزندانم آرزوهای دور و دراز را رها کنید و مرگ را همواره مد نظر دارید و زهد و پارسایی را پیشه خود سازید، زیرا که در هر حال ، هیچ راه گریزی از مرگ نداریم .

فرزندانم نشانه های مومن آن است که روزانه ، پنجاه و یک رکعت نماز بگذارد و پنجشنبه اول و چهارشنبه میان و پنجشنبه آخر، هر ماه را روزه داشته باشد . بقدر توانائی ، در راه خدا انفاق کند ، تا آنجا که پندارد که در این کار زیاده روی کرده است، ولیکن در حقیقت زیاده روی نکرده باشد . عزیزانم نماز شب را مراقبت کنید ، با نماز شب مانوس شوید

، نماز شب را در یابید و برای خود غنیمت شمارید، هرکس به هر درجه ای از مقام الهی رسید از توجه به شب زنده داری بوده است. تنها چیزی که می تواند شمارا از این فیض بزرگ محروم سازد معصیت است. در هر صورت شب را از دست ندهید حتی شده است به چند دقیقه خلوت کردن در گوشه ای با خدای خود.

هرگاه دیدید که حال ویا توان شب زنده داری را ندارید به اعمال روز گذشته ای خود رجوع کنید! توجه وافر به نماز ظهر داشته باشید زیرا در رفع آلودگیهای روز نقش بسیار، بسیار مهمی دارد .

و در هر حال از تلاوت قرآن کریم غفلت مورزید قرآن دل را جلا می دهد قرآن را به صورت یک کتاب عربی نخوانید بلکه با تدبر و تامل و شمرده شمرده قرائت کنید این سفره ای الهی را مقتنم شمارید زیرا در این زمان است که ما می توانیم بی واسطه کلام رب العالمین را بشنویم ((از همه مهم تر آنهم با صدای خودمان)) عزیزانم در این نکته که عرض کردم اسرار الهی بسیاری نهفته است

فرزندانم در طریق زندگانی میانه رو باشید و در راه بندگی و عبادت به آن قدر از عبادت که بتوانید همیشه به جای آورید ، قناعت و اکتفا کنید .

خاموشی گزینید تا سلامت مانید و برای آینده خود، توشه ای برگزیرید که غنیمت شما شود و در آموختن بکوشید ، تا دانا و عالم گردید ارزش عبادت هر بنده به اندازه ای علم اوست

دو رکعت نماز یک عالم نزد پروردگار بمراتب بالا تر است از دو رکعت نماز یک صغیه است، البته نزد ما بندگان هم چنین فرقی محسوس است!

فرزندان عزیزم شما را سفارش می‌کنم که به خواندن این حدیث گرانقیمت و با اهمیت در چندین نوبت در روز که از فرمایشات حضرت مولاالموحیدین علی عالی، غریب، تنها علیه السلام که فرمودند من از تورات، دوازده آیه برگزیدم، و به عربی بازگرداندم و روزانه، سه نوبت در آنها می‌نگرم:

آیه نخست: ای آدمیزاده تا آن هنگام که در تحت قدرت و سلطنت منی، از شکوه هیچکس پروا مکن و بدان که قدرت و سلطنت من بر تو همیشگی و جاویدان است.

آیه دوم: ای آدمیزاده، تا آنگاه که خزینه‌ها از ارزاق، پر دارم، از نرسیدن روزی خویش میندیش و بدان که خزاین من پیوسته پر خواهد ماند.

آیه سوم: ای آدمیزاده، تا آن زمانی که مرا توانی یافت، به هیچ کس دیگر دل مبنده و بدان که هر قوت مرا جویا شوی، نیکوکار، و نزدیک به خود خواهی یافت.

آیه چهارم: ای آدمیزاده، به حق خودم سوگند که من دوستدار توام، پس به حقی که بر تو دارم، سوگندت می‌دهم که دوستدار من باش.

آیه پنجم ، ای آدمیزاده ، تا آن وقت که هنوز از صراط نگذشته ای از خشم من ایمن منشین

آیه ششم : ای آدمیزاده ، همه چیز را به خاطر تو آفریدیم ، و ترا به خاطر عبادت خود، پس مباد که در راه آنچه برای تو آفریده ام تو را برای آن آفریدم ، در گذری.

آیه هفتم : ای آدمیزاده ، ترا از خاک و پس از آن نطفه و علقه و مضغه ساختم و آفرینش تو مرا رنجی و دشواری نداشت ؛ اینک پنداری که از رساندن قرص نانی به تو در رنج و دشواری اندر شوم.

آیه هشتم : ای آدمیزاده ، محض خاطر خویش بر من آشفته می شوی ، لیکن به خاطر من برخود خشمگین و آشفته نمی گردی ؟

آیه نهم : ای آدمیزاده ، روزی تو بر من فرض است و مرا نیز بر تو فرایضی است ، لیکن (بدان که) اگر در انجام فرایض نسبت به من سرپیچی کنی ، من نه آنم که از آن فرض وعده خویش سرباز پیچم.

آیه دهم : ای آدمیزاده ، هرکس ترا برای خودش می خواهند، اما من ترا برای خودت خواهانم پس از من مگریز.

آیه یازدهم : ای آدمیزاده ، اگر به آنچه روزیت کرده ام ، راضی و خشنود باشی ، جان و تن خویش را در آسایش و راحت نهاده ای و انسانی سزاوار و ستوده ای ، لیکن اگر به قسمت من رضا ندهی ، چنان دنیا را برتو مسلط

سازم که چونان حیوان وحشی بادیه پیمایی
حیران و سرگردان و به هر حال بر فزون تر از
آنچه روزی مقسوم تو کرده ام دست نخواهی
یافت و انسانی ناسزاوار و ناشایسته ای.

آیه دوازدهم : هرگاه در برابر من به بندگی
ایستادی ، چنان باش که بنده ای خاکسار در
برابر پادشاهی شکوهمند ایستاده است و چنان
باش که در منظر خویش ، مرا می یابی ، که
اگر تو مرا نتوانی دید، من ترا می بینم .

ای فرزندانم حقاً اگر هرکس این فرمایشات
خداوند را که سفارش شده ای حضرت مولا می
باشد را بکار ببند کمر شیطان را خواهد شکست
انشالله

ای عزیزانم تا هرچقدر می توانید خود را به
امام زمان عج الله نزدیک کنید در حال حاضر در
این عالم تنها معصومی که حضور مادی دارد
حضرتشان می باشد ما متأسفانه از امام خود
فرسنگها دور هستیم در صورتی تنها راه نجات
ما از تمام گرفتاریهای آخرتی و دنیوی به دست
مبارک ایشان می باشد ای فرزندان بدانید حقی
ایشان بر ما دارد و حقی ما بر ایشان داریم

ولی حق که ایشان بر ما دارد این است: 1- که
از محضر ایشان چه روحانی و چه جسمانی
استفاده کنیم 2- از دستورات ایشان آگاه
بشویم و سپس امر حضرت را که همان فرمایشات
خداوند و امامان معصومین علیها السلام می باشد
را بر تمامی امور خود مقدم بداریم 3- ای
عزیزانم بدانید باید خودمان را از غیبت
برهانیم، تا حضرتش از قربت بدراید دلیل
اصلی قربت و غیبت حضرت خود ما می باشیم ما

زمانی از غیبت در خواهیم آمد که در حضور روحانی حضرتش باشیم. انشالله و اگر جسمان هم قابلیت پیدا کرد حضور جسمانی هم داشته باشیم به عبارتی ساده تر ما باید جزو وذره ای از زندگی ایشان باشیم نه آنکه خدای نا کرده امام عصرمان جزو وذره ای از زندگی ما باشد4- ما نباید با معصیت و گناه جزو مسببان آزار و اذیت ایشان باشیم 5- راه نزدیک شد به ایشان را بیاموزیم 6- ما باید یار ستم دیدگان و دشمن ظالمان جهان باشیم 7- ما باید دعا گوی حضرتش باشیم زیرا این هزار و چندصد سال قربت و غیبت را فقط و فقط برای ما تحمل کرده اند و می کنند و.....

و اما حقی که ما بر ایشان به دستور رب العالمین داریم: 1- ایشان باید بر تمام بی مهریهای امت صبر کنند که می کنند 2- ایشان باید بر تمامی معصیتهای محبین اهل بیت طلب مغفرت کنند که میکنند خودشان فرمودند که من برای شما همیشه با چشمانی اشگ آلود طلب مغفرت می کنم 3- ایشان باید منتقم تمامی ستم دیدگان عالم باشند که هستند 4- ایشان باید واسطه ای فیض خداوند به ما بندگان باشد که هستند 5- ایشان باید بلاها و سختیهای بسیاری که ما خود از روی جهل و بی خردی به وجود می آوریم از ما دور نمایند که می نمایند 6- ایشان باید محل نزول ملائکه الله باشند به جهت رساندن انوار الهی به بندگان خدا آنهم با تمام شئون آن که هستند 7- ایشان باید نقطه ای امید تمام ستم دیدگان و ترساننده ای تمام ظالمان باشد که هستند. حالا ای عزیزانم این حداقلها که ناشی از فهم کم من است را در نظر

بگیرید ببینید وضع شما نسبت به این امام
حاضر و ناظر چیست!!

فرزندان عزیزم از شما تقاضا دارم به دنبال
چیزی بروید که می دانید تا ابد باشما و به
نفع شما خواهد بود و آن چیزی جزء کسب و تحصیل
معارف حقه ای شیعه نمی باشد که سالیانی است
رب العالمین به توسط فرستا دگان خود که
همان پیامبران و امامان معصوم علیه السلام
و در حال حاضر حضرت ولیعصر(عج) و از ایشان به
واسطه ای روحانیت حقیقی شیعه به ما رسیده
است. لذا بر شما باد تحصیل و ممارست در این
امر مهم فرزندانم هرچه از متاع دنیا کسب
کنید در آخرت وبال شما خواهد بود و باعث
نقصان شما عزیزانم فقط از راه کسب معرفت
و ریاضت می توان پی به اسرا و معارف حقه برد.

به این مطلب مهم دقت کنید! که بی هیچ شك و
تردیدی، با اعمال و رفتار و اقوال و گفتار
و افکار و پندار خود روبرو خواهید شد و از
هر حرکت قولی و فعلی و یا فکری که از شما
سر می زند صورتی روحانی در برابرتان حاصل
خواهد شد. البته این حرکات نقش نرینه را
دارد و زمان نقش مادینه ای آن را دارد

حال اگر این حرکات معقول و مطابق با
موازین شرع محمدی (ص) باشد، آن صورت روحانی
موجب پیدایش و خلق فرشته ای خواهد شد که با
او همنشین خواهید بود. چه در دنیا و چه در
آخرت، در دنیا در همه حال از این ملک لذت
می برید و در آخرت نیز بانورش راحت تر از
پل صراط خواهید گذشت انشالله .

حال اگر این حرکت مخالف با شرع محمدی (ص) باشد و یا از شهوات و یا از خشم ، و غضب و یا از هر حرکت رذیله نشئت گرفته باشد، صورت روحانی آن حرکت موجب پیدایش شیطانی خواهد شد، که ترا در زندگی دنیا آزار خواهد داد و باعث گمراهی شما خواهد شد و همچنین در آخرت موجب نقصان و مانع استفاده شما از رحمت عامه الهی می شود.

و پناه می برم به خدا که چه بسا مسبب دخول در آتش می شوند.

فرزندم با آگاه شدن به این حقایق حالا میتوانید درک کنید که در هر آن ولحظه یا فرشته ای خلق می کنید و یا شیطانی که تا ابد با شما خواهد بود و شما راه گریزی از آن نخواهید داشت و تنها راه چاره برای همنشینی بهتر داشتن چه در دنیا و چه در آخرت خلق فرشته های الهی آنهم به اذن خداوند می باشد که نشئت گرفته از همان حرکات معقول و مطابق با موازین شرع محمدی (ص) می باشد.

فرزندم تنها راه استفاده ای بیشتر از این دنیا بجهت آخرت درک امکاناتی می باشد که حضرت حق از برای بندگان خود خلق نموده است پس تا جایی که می توانید عمر خود را در راه کسب معارف الهی صرف نمائید. انشالله سخن را کوتاه می کنم و از شما موقتاً در این دنیا خدا حافظی می کنم انشالله دیدار به قیامت

اسلام دین ماست ، شیعه بودن مذهب ماست ، ایران وطن ماست ، این نظام

مقدس از برای ماست پس از آن همگی
دفاع کنید .

راه مبارز فرار کردن و یا تسلیم
شدن و یا زندان رفتن نیست

راه مبارزه دفاع کردن تا سرحد
شهادت است و بس انشالله

راه مبارزه خود را به دامن شرق
و غرب انداختن نیست

راه مبارز بیرون کردن منافقین است
(خاکستریها و ..) نه آنکه اصل نظام
مقدسمان را انکار کنیم و از رهبر
مظلوم و اسیرمان دفاع نکنیم ایشان
بعدا از خدا و امام زمان (عج) کسی را
جز ما ندارند

راه مبارزه آگاهی دادن است نه
دروغ گفتن راه مبارزه رضای خدا را
خواستن است نه رضای خلق طلب کردن

.

